یادداشت

رسانه‌های اموی برای تحریف تاریخ

دین پژوه
دکتر حسن انصاری

از مطالب نادرستی که بسیار در این سال ها در تحلیل واقعه عاشورا وقیام سیدالشهدا(ع) به‌آن استناد می‌شود، این است که‌گفته می‌شود حضرت به‌عمربن سعد پیشنهاد دادند که‌بگذارند به‌جای بیعت باعبیدا...بن‌زیاد، یکی ازاین سه‌کار راانجام دهند: اختاروا منی خصالا ثلاثا: إما أن أرجع إلَی المکان الَّذِی أقبلت مِنْهُ، وإما أن أضع یدی فِی ید یَزِید بن مُعَاوِیَه فیری فِیمَا بینی وبینه رأیه، وإما أن تسیرونی إِلَی أی ثغر من ثغور الْمُسْلِمِینَ شئتم، فأکون رجلا من أهله، لی مَا لَهُمْ وعلی مَا عَلَیْهِم. ابومخنف درباره این روایت تردید دارد ومی‌گوید این روایت جماعت محدثان است. یعنی منعکس‌کننده‌گرایش «اهل جماعت». گرایش عمومی آنان این بود که‌تا جایی که‌ممکن است، حادثه عاشورا وقتل امام‌حسین(ع) رابه‌پلیدی ابن‌زیاد تقلیل دهند ودامن خلافت راازننگ کشتن پسر دختر پیامبر(ص) پاک کنند. آنان درواقع بانقل روایات «فتنه»، مخالف بودند ومی‌گفتند باید امر صحابه‌و خلفا رابه‌خدا سپرد ودرنزاع‌های پیشین مجادله نکرد وحتی آن‌ها رانقل نکرد. دراین دیدگاه بهتر بود امام‌حسین(ع) چنین پیشنهادی به‌عمرسعد می‌دادند تادامن یزید از جنایت قتل پسر دختر پیامبر(ص) پاک شود. جالب این است که‌ابومخنف چند سطر پایین‌تر دردنباله، روایتی رااز همان راویان نقل می‌کند که‌درپی دادن این پیشنهادها عمرسعد نامه‌ای به‌ابن‌زیاد نوشت وپیشنهادها رامطرح کرد وابن‌زیاد هم قبول کرد، منتها سرانجام این شمربن ذی‌الجوشن بود که‌رأی اورا تغییر داد. درواقع همه گناه واقعه عظیم عاشورا باتبلیغات دستگاه رسانه‌ای امویان بر دوش شمر می‌افتد. ابومخنف درادامه نقل می‌کند که‌بنا بر روایتی دیگر، سیدالشهدا(ع) چنین پیشنهادهایی رانداده‌اند. درواقع حضرت باپافشاری بر موضع خود دربیعت نکردن بایزید درعین حال می‌کوشیدند تاحد ممکن ازمواجهه خونین بالشکر ابن‌زیاد اجتناب کنند. پیشنهاد مشخص حضرت این بود که‌بگذارند فرصتی داده شود تابدون مواجهه خونین دراین مرحله، روند حوادث درمورد «امرالناس» شکل طبیعی خود راپی گیرد. امر دراینجا معنای حکومت می‌دهد. درواقع حضرت می‌خواستند بدون آنکه مواجهه‌ای صورت گیرد، این فرصت داده شود که‌ازیک‌سو حضرت بپذیرند درآن موقعیت زمانی خاص، ازرفتن به‌کوفه که‌به‌معنای سقوط پایگاه یزید درعراق بود، صرف‌نظر کنند ودرمقابل دستگاه خلافت هم ازایشان درخواست بیعت نکند تادرباره امر حکومت بعدا بحث وتبادل‌نظر صورت گیرد وتصمیم عراق دربرابر شام روشن شود. روشن بود که‌این روند درنهایت به‌معنای سقوط خلافت یزید وشکست طرح دستگاه خلافت شام بود. روایت پیشنهادهای سه‌گانه رااخباریان ومحدثان جای دیگری باشباهتی شگفت‌انگیز استفاده کرده بودند؛ درمورد ماجرای خون‌خواهی اصحاب جمل. آنجا هم اصرار بر این بود که‌طرفین جنگ جمل رادرعین حال که‌تطهیر می‌کنند، راه نجات راهمراهی نکردن باهر دو طرف جنگ قلم بزنند. حقیقت این است که‌حضرت اباعبدا...(ع) اززمانی که‌ازبیعت بایزید درمدینه سر باززدند، تاروز عاشورا، قدمی ازآنچه درپی آن بودند، عقب‌نشینی نکردند. ایشان درواقع درادامه حرکت هوشمندانه سیاسی خود باذکر پیشنهاد یگانه‌ای که‌بالا درروایت دوم ابومخنف دیدیم، سعی کردند تاجایی‌که ممکن است، زمینه‌ای رافراهم کنند تاحرکت اعتراضی‌شان درمقابل دستگاه یزید جنبه‌عمومی‌تری بگیرد وبه‌اعتراض مردمی وجنبشی فراگیر تبدیل شود. بااین وصف، رفتار جنایتکارانه امویان درروز عاشورا وشدت قساوت آنان درنهایت موجب شد باشهادت حضرت، پیام عاشورا درشکل بسیار وسیع‌تری درسرتاسر جهان اسلام آن روز منعکس شود ومشروعیت دستگاه معاویه وخلافت فاسد اموی ازبین برود.

یادداشت

تحسین رهبر معظم انقلاب؛ مقدمه رفع مهجوریت «پس از ۲۰سال»

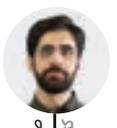

کتاب پژوه
صالح مدرس زاده

«رمان عاشقانه جذاب تاریخی قوی» تعبیری بود که‌رهبر معظم انقلاب بعد از مطالعه «پس از۲۰سال»، برای این اثر جاودانه به‌کار بردند؛ قصه‌ای از دل تاریخ که‌سعی می‌کند فضای حاکم بر جامعه مسلمین در ۲۰سال منتهی به‌شهادت امام‌حسین(ع) رابه‌گونه‌ای شرح دهد که‌پاسخی باشد برای یک زخم کهنه: «به‌راستی چرا حسین(ع) راکشتند؟»

به‌عقیده من، وجه تمایز این کتاب با سایر رمان‌های تاریخی، همان عاملی است که «مختارنامه» را یک سروگردن از بقیه مجموعه‌های تلویزیونی بلندتر کرده است: «هنر روایتگری»، آن عنصری است که‌خوانندگان «پس از۲۰سال» رامجاب کرده است ۷۵۰صفحه رامشتاقانه ودرکوتاه‌ترین زمان ممکن مطالعه کنند. برخلاف بسیاری ازرمان‌ها، هنرنویسنده دراضافه‌کردن یک‌عشق سوزان به‌قصه، برای جذب مخاطب نیست، بلکه هنر اصلی سلمان کدیور، تصویرسازی جزئیات رذایل ونیرنگ‌های معاویه وبنی‌امیه درحساس‌ترین روزهای تاریخ، اززبان کسی است که‌در سپاه معاویه شمشیر می‌زند. فرق است میان روایتی که‌نویسنده باتکیه بر ارادت قلبی خود به امیرمؤمنان(ع) وسیدالشهدا(ع) به‌رشته تحریر درآورده است، باروایتی اززبان یک سردار اموی که‌پدرش هم نان‌خور معاویه بوده است. حالا چشمانت راببند وجذابیت چنین روایتی راتصور کن؛ «صفین» وحوادث واتفاقات مهمش دراین قرائت، چگونه فهم خواهد شد؟ ابوذر وعمار ومالک‌اشتر چگونه درذهنت بازتعریف می‌شوند؟ دریک کلام، آنچه درباره این ۲۰سال مهم تاریخ اسلام(صفین تا کربلا) می‌دانستی، بی‌شک رنگ‌وبوی دیگری خواهد گرفت. مهم‌ترین نقد به‌کتاب حاضر، نام نویسنده است. سایه مواضع سیاسی سلمان کدیور که‌ازچهره‌های عدالت‌خواه وصریح‌اللهجه سپهر سیاست ایران است، روی کتاب ارزشمندش، خیلی سنگینی می‌کند؛ اتفاق ناخوشایندی که‌درباره آثار بسیاری ازنویسندگان چیره‌دست دیگر هم رخ داده است ویک حساسیت کاملا ساختگی وبی‌ریشه است. همان طور که‌تحسین کتاب توسط رهبر معظم انقلاب نمی‌تواند به‌معنای تأیید تمام مواضع شخصی نویسنده باشد، ازدیگرسو، قضاوت منفی درباره یک کتاب فاخر براساس مواضعی ازنویسنده که‌با سلیقه ما متفاوت است، نیز ظلمی آشکار به‌آن اثر است.

این اتفاق، مرا یاد سخت‌گیری هایی انداخت که‌علیه کتاب «حاج‌آخوند» عطاءا... مهاجرانی رخ داده بود، درحالی‌که شهید بصیر، حاج‌قاسم سلیمانی، به‌تحسین کتاب پرداخته بود وآن رابه‌اطرافیان هدیه می‌داد. به‌امید روزی که‌درحق هیچ کتابی پیش‌داوری ظالمانه نشود!

دکتر رسول جعفریان، تاریخ پژوه، درباره تحلیل های جدید از واقعه عاشورا می گوید

روایت عاشورا درکشاکش نظریه‌ها

حسینی‌نژاد

بدون تردید واقعه عاشورا و اتفاقاتی که در آن روز افتاد، یکی از وقایع مهم و تأثیرگذاری است که در تاریخ اسلام به وقوع پیوسته است. در طول سال‌ها و قرن‌ها، هیچ‌چیز نتوانسته است اندکی از حرارت آتش عشق حسین‌بن‌علی(ع) و سوختن بر مصائبش را در دل‌های شیعیان کم‌رنگ کند. واقعه عاشورا، در مقایسه با رخدادهایی که در قرون نخستین اسلامی رخ داده، بی‌تردید پس از ظهور اسلام، مهم‌ترین اتفاق شناخته‌شده است. به همین دلیل، عنایت به آن و نگارش تاریخ آن، جدی‌تر از دیگر رخدادها بوده و آثار بی‌شماری در این‌باره نوشته شده است. متأسفانه بسیاری از این تواریخ از میان رفته است، با این حال در میان آثار برجای‌مانده، کلیت حادثه بلکه بسیاری از جزئیات آن، ثبت و سیر تاریخی این رخداد از حرکت امام‌حسین(ع) از مدینه تا شهادت آن حضرت و اصحابشان در کربلا، در منابع ضبط شده است. اختلافاتی در نقل‌ها، درباره برخی رخدادها و اشخاص و گفته‌ها و مکان‌ها هست که جای نقد و بررسی دارد. تا به امروز آثار گوناگونی در تحلیل و تبیین قیام عاشورا نوشته شده است. همه این آثار با استفاده از منابع تاریخی سده‌های نخستین به رشته تحریر درآمده است. حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر رسول جعفریان، مورخ و عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران، سال‌هاست مقالات و کتاب‌های گوناگونی در تحلیل قیام عاشورا و منابع تاریخی آن نوشته است. در این گفت‌وگو برآنیم به این نکته بپردازیم که بازنگری در تاریخ قیام عاشورا چه ضرورتی دارد.

● در دوره معاصر برخی اندیشمندان به دنبال آن بودند که از جنبه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی تحلیلی جدید از واقعه کربلا ارائه دهند. از دیدگاه شما، تاریخ‌نویسی قیام کربلا و تحلیل آن در دوره معاصر چه تحولاتی را پشت سر گذاشته است؟

در سال‌های گذشته، چندین کتاب به‌نام «مجموع اخبار کربلا» منتشر شده است. درواقع، خیلی قدم‌های مهمی در این راه برداشته شده است. به‌نظرم بازنویسی تاریخ کربلا براساس متون متقدم، از شیخ عباس قمی شروع شد. «نفس المهموم» بر این اساس نوشته شد. تحقیق تاریخی درباره وقایع عاشورا راصالحی نجف‌آبادی تقویت کرد. او به‌دنبال اهداف خودش برای تحلیل کربلا بود، اما مجبور بود متون را زیرورو کند. حاشیه کار او این بود که‌بحث «ارجاع به منابع» مهم است. مخالفان وناقدان هم این روش رادنبال کردند؛ البته جو عاطفی وسیاسی در تحلیل کربلا روی خیلی ازکتاب‌های دهه پیش از انقلاب اسلامی مؤثر بود، اما هیچ کدام از نظر منبع‌نگاری به مسئله توجه نکردند. بعد از انقلاب، با کاری که‌روی مقتل ابومخنف شد و متن مقتل اوازطبری جدا ومستقل منتشر شد، این روش به‌پیش رفت. به تدریج، بحث منبع شناسی در رشته‌های تاریخ در قم ودیگر نقاط کشور اهمیت یافت. کتاب‌های تازه‌ای هم ازقرن سوم درباره امام‌حسین(ع) منتشر شد که‌بخش ویژه‌ای از «طبقات ابن‌سعد» و «انساب‌الاشراف» بود. زمانی، گروهی نشستند و کتاب تاریخ امام حسین(ع) رانوشتند واین کار درآموزش وپرورش انجام شد. بیست‌واندی جلد شد. کار خوبی بود؛ البته مانند بقیه نمونه‌ها، دید افراد مهم بود. این‌ها اخباری از منابع ضعیف را هم آوردند. برخی دوست دارند به‌کتاب‌هایی مانند «لهوف» وحتی «ناسخ‌التواریخ» اطمینان کنند، بااین‌حال همین که‌ازقدیمی‌ترین متون شروع کردند وجلو آمدند، جالب توجه بود. ازنظر نقدمنابع، کارهای دیگری راهم آقای محمد اسفندیاری، صحتی سردرودی، عبدا...حسینی ومصطفی صادقی منتشر کردند. این‌ها بیشتر تحت تأثیر بحث تحریفات عاشورا بودند که‌مرحوم آیتی مطرح کرد، آقای مطهری ادامه داد وبعد ازانقلاب اسلامی، این‌ها براساس منبع‌شناسی، آن رادنبال کردند. بنده هم مختصری دراین‌باره نوشته‌ام. به‌هرحال این سیر را که‌شما نگاه بکنید، نتیجه‌اش همین شده است که‌امروز می‌فرمایید خب ما یک «متفق‌علیهی» درباره کربلا داریم، این رامی‌شد اوایل دهه۵۰ هم گفت، اما حالا خیلی بهتر گفته می‌شود. به‌نظرم، این مسیر هنوز نیاز به‌پیمایش دارد. ما هنوز روش‌های علمی‌درستی برای شناخت اسناد ومنابع تاریخی نداریم. اگر این مسیر از نظر علمی درست پیش برود، اتفاقات بهتری هم در این باره خواهد افتاد.

● شما در یکی از آثارتان مطرح کردید که برای تحلیل واقعه عاشورا نیاز به بازنگری در نگاه با تکیه بر منابع داریم. منظور شما از بازنگری در تاریخ کربلا چیست؟

بنده از یک زاویه، به‌دو ملاحظه این مطلب رادرباره عاشورا می‌گویم؛ یکی از این نظر که‌کربلا برای یک عضو جامعه شیعی، منبعی برای دریافت‌های دینی، اخلاقی وارزشی است. برگی از تاریخ است که‌برای شخص، مقدس است وبه‌طور مدام اوراتغذیه‌فکری می‌کند. اینجا وازاین نگاه، ازبنده -به‌اعتبار فردی که‌عضو این جامعه است- این نکته رابپذیرید که‌رویداد عاشورا یک رویداد عادی تاریخی نیست، یک اتفاق قدسی است. بخشی ازتاریخ مذهبی ماست. چرا شما باید هر روز چندصفحه‌ای از قرآن را بخوانید وروی آن تأمل کنید؟ برای اینکه به شما گفته می‌شود تأمل در آن و حتی نفس مرور کردن بر آن، ثواب دارد. درباره روضه‌خوانی عاشورا هم همین طور است. احادیث زیادی مؤید این معنا نقل می‌شود. این نگاه وقرائت، هم منبع معنویت برای این شخص است که‌این اعتقادات رادارد وهم سبب الهام‌گرفتن ازآن تعابیر وآن روضه‌ها وآن تاریخ مذهبی است. اما ازوجهی دیگر، تفسیر مجدد، به‌لحاظ تنوعی است که‌دربرداشت ازاین قبیل رویدادهای تاریخی وجود دارد. درحقیقت، هنوز آدمی‌نمی‌داند چرا این‌قدر می‌شود از تاریخ برداشت‌های متنوع کرد. واقعیت این طور است یا تفسیرهای ما با پیش‌فرض‌های ما این گونه است؟ به‌نوعی معنایش این است که‌ما نیازمند تفسیر مجدد آن هستیم. این نوع وقایع، در نهاد ما، مثل درختی است که‌در وجود ما کاشته می‌شود وفهم آن، بسته به‌زمینه‌ها وآب وخاکی است که‌در آن می‌روید. ازسوی دیگر، اینکه اطلاعات تاریخی ما به‌مرور بیشتر می‌شود، درک اجتماعی وسیاسی ما بهتر می‌شود وما روشن‌تر می‌توانیم آن راتفسیر کنیم. اتفاقا من، این نکته رادرباره عاشورا بگویم که‌ازهمان روز اول کسانی که‌ما راتحت تعلیم قرار می‌دهند، تحلیل‌های خاصی برای ما ارائه می‌کنند، اما اندکی بعد وبه‌محض اینکه ما کتاب دست بگیریم وبخوانیم، دیدمان عوض می‌شود؛ یعنی خیلی اوقات وبرای خیلی‌ها این اتفاق می‌افتد.

دکتر رسول جعفریان: چندین تفسیر متنوع از عاشورا داشته ایم. اتفاقا همه این‌ها هم مستندات مهمی دارد. حالا شما از هر زاویه که بخواهید این را تحلیل کنید، از نظر معرفتی یا حتی رویکردهای سیاسی اجتماعی و تحت تأثیر ایدئولوژی های حاکم بر ما، از نظر روانی، در شرایطی که گیر کرده و گرفتار شده ایم، همه این‌ها در بازتفسیر ما از عاشورا مهم بوده است

در همین صدسال گذشته، چندین تفسیر متنوع ازعاشورا داشته‌ایم. اتفاقا همه این‌ها هم مستندات مهمی دارد. حالا شما از هر زاویه که بخواهید این راتحلیل کنید، از نظر معرفتی یا حتی رویکردهای سیاسی اجتماعی وتحت‌تأثیر ایدئولوژی‌های حاکم بر ما، از نظر روانی، در شرایطی که‌گیر کرده و گرفتار شده‌ایم، همه این‌ها در بازتفسیر ما از عاشورا مهم بوده است.

● با این نگاه که درباره تحلیل وقایع تاریخی به ویژه عاشورا گفتید، مورخان تا چه اندازه به مستند بودن گزاره‌های خود معتقد بوده‌اند؟

این نکته را می‌دانیم که مسلمانان به مستند بودن نقل‌ها، بیش از هر چیزی بها می‌دادند، بااین حال درپی آن بودند که‌از حادثه، گزارش دقیقی بدهند؛ گزارشی همه‌جانبه‌که بتواند روشنگر چگونگی حادثه، علل آن ونیز آثار ونتایجش باشد ونکته مهمی ازنظر علمی‌بودن تاریخ است؛ نگارش آثاری قرص ومحکم ومستند، آن گونه که‌مشتمل بر مواد اصلی یک رویداد تاریخی باشد.

نگارش‌های این مقطع، ازنظر شکلی، مانند احادیث وبه‌صورت تقطیع شده، عرضه شده است وبا وجود آنکه درکل ازنوعی تسلسل تاریخی برخوردار است، شکاف‌هایی میان روایات دیده می‌شود. درمواقعی، چینش نقل‌ها نیز سلیقه‌ای است؛ هرچند درمواردی، این سلیقه ازپایه‌ای منطقی برخوردار است که‌باید کشفش کرد. دست‌کم باید روشی رادریک دوره تاریخی از نظر نگارش شناخت تا راحت‌تر بتوان درباره آن‌قضاوت کرد. درمیان قوت‌ها وضعف‌ها، باید ارزیابی کرد که‌سطح علمی این آثار چقدر است. آثار دوره‌های بعدی، علمیت کمتری دارند؛ البته خود این یک امتیاز است که‌این‌ها نزدیک حادثه هستند وآثار دوره‌ها به‌دلیل دور بودن، اصولا ارزش علمی‌زیادی نمی‌توانند داشته باشند.

با همین معیار، اگر به تاریخ نگاری اسلامی در دوره‌هایی مانند ایلخانی وتیموری نگاه کنیم، دربرابر تغییر نگاه به ذکر سند و نقل نکردن آن، نگارش آثار سست و گزارشی برگرفته از دیگر متون، بیشتر بدون ارجاع ونیز بی‌دقتی وغلبه نگاه داستانی بر نگارش‌ها رامی‌توان به‌عنوان برخی ویژگی‌ها بیان کرد.

● آیا شناخت تفکر رایج مردم در دوره‌های گوناگون، بر شیوه‌های نقل واقعه عاشورا، تأثیرگذار است؟

غلبه افکار واندیشه‌های خاص در این دوره‌های تاریخی، منوط به‌شناخت طرز تفکر رایج میان مردم وعالمان است؛ برای مثال در دوره‌های ایلخانی وتیموری، به‌تدریج رنگ تصوف بر فرهنگ جامعه غلبه می‌کند. این رنگ، پیامدهایی در عرصه نگاه به‌تاریخ وتحلیل آن دارد. اثری مانند «روضه‌الشهدا» کاملا زیر سیطره تفکر عرفانی است. این البته جدا ازرنگ ادبی اثر یادشده است که‌خود بحث دیگری است وتسلط آن هم، منبع را از «علمی بودن» دور می‌کند.

در دوره‌های نخست، چیزی به‌نام تحلیل تاریخی به‌صورت مستقل، مدنظر نیست وگزارش اصل حادثه، محور اصلی است. دراین متن‌ها، جز درنمونه‌هایی اندک، در بیشتر نمونه‌ها نمی‌توان گرایش راوی رابه‌دست آورد؛ چون گویی هدف، ثبت اصل حادثه بوده است. دراین‌باره، بیش ازهمه مقایسه آن آثار باآثار ادوار بعد مهم است.

یک مسئله مهم در تفاوت میان دوره اول(سه قرن نخست اسلامی) باادوار بعدی، این است که‌تسلط نگرش‌ها در ادوار بعدی، رو به افزایش است، درحالی‌که درنسل اول کمتر است. می‌دانیم که‌درهر دوره، نقل‌های مربوط به‌یک رویداد تاریخی، بسته به‌اهمیت آن برای نسل حاضر که‌شنونده وخواننده هستند، تفسیر خاص خود رادارد. بدون شک این امر روی نگارش اثر می‌گذارد. به‌طورکلی می‌توان گفت هرچه به‌ادوار جدیدتر وارد شویم، فشار این تحلیل‌ها وتفسیرها بیشتر می‌شود. در مراحل بعدی، رکن «گزینش» ازمیان نقل‌های قدیمی ودرواقع غربالگری درآن‌ها، اتفاقی است که‌می‌افتد تاتحلیل یعنی تسلط نگرش‌های نویسنده برآن رویداد، راحت‌تر انجام شود. طبعا گزینش، یعنی استفاده از برخی نقل‌های مربوط به‌آن رویداد، ما رابامحدودیت‌های بیشتری در منابع متأخر روبه‌رو می‌کند. به‌عبارت دیگر، دوره نخست نگارش، اغلب از شمار بیشتری نقل برخوردار بوده وهنوز بار تحلیلی زیادی بر آن سوار نشده است، درحالی‌که دردوره‌های بعدی، گزینش بیشتری می‌شود وتحلیل‌ها افزایش می‌یابد. این تحلیل‌ها، بخشی درامتداد همان غلبه نگرش‌های خاص مانند آنچه درباره تصوف گفته شد -و می‌تواند ایدئولوژی‌های دیگر هم باشد- خواهد بود.

وقف یک قرآن ۱۵۰پاره بر خانقاهی در نیشابور قرن ششم

به روایت اسناد

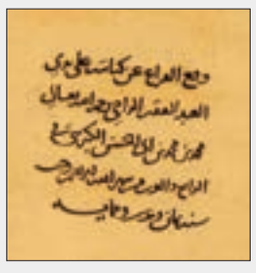

وقف‌نامه‌قرآن‌های کهن به‌جامانده در کتابخانه آستان قدس رضوی، یکی از منابع‌مهم‌دست‌اول درشناسایی برخی رجال ادبی ودینی ایران در قرون چهارم تا هفتم هجری است. برخی نام‌ها که به‌عنوان کاتب، مقری یا واقف در آغاز و انجام این نسخه‌های نفیس قرآنی ثبت شده است، اطلاعاتی بسیار ارزشمند و منحصربه‌فرد از زندگی و احوال برخی عالمان شیعه و سنی در خراسان، قم، ری، قزوین، نیشابور، بیهق و اصفهان در سده‌های کهن دراختیار ما می‌نهد. این قرآن(در تقسیم بندی ۱۵۰پاره) را محمدبن محمدبن ابی الحسن کبریتی در سال ۵۲۸ کتابت کرده است؛ سپس فردی به نام قاری فخری در سال ۵۳۰هجری آن را بر سر مزار خود در خانقاه خودساخته‌اش در نیشابور وقف کرده تاآنکه در سال ۵۸۴هجری مجددا بر حرم امام‌رضا(ع) وقف شده است.

متن وقف‌نامه نخست چنین است: «وقف کردم این ۱۵۰پاره قرآن مجید از بهر رضای خدای تعالی بر شهر نیشابور در جوار مسجد منیعی عمرها ا... بر سر تربت خویش در گنبدخانه و خانقاه کی بناکرده من است تا سکان آن و خوانندگان قرآن می خوانند و ما را به دعای خیر یاد می دارند، به شرطی که نفروشند و گرو نکنند و به عاریت ندهند و هذا خط الواقف العبد المذنب الفقیر الحقیر المحتاج إلی رحمه ا... القارئ الفخری بخطه تقبل ا... منه به تاریخ شهور سنه ثلثین وخمس مائه الحمد لله رب العالمین و شکرا».

حقیقت عاشورا

کتاب شناخت

کتاب «حقیقت عاشورا؛ از عاشورای حسین(ع) تا تحریفات عاشورا»، عهده‌دار بررسی نهضت امام‌حسین(ع) است؛ ازحماسه آن حضرت تاکوشش ایشان برای جلوگیری از جنگ، ازستم‌ستیز بودن امام‌حسین(ع)، ازدرس‌هایی که‌ازحضرت می‌توان آموخت تاعبرت‌هایی که‌باید آن رافراگرفت. ازاینکه امام حسین(ع) چه می‌گفت، تا اینکه مخالفانشان چه‌می‌گفتند وعاشورا نزاع چه‌باچه بود؟

محمد اسفندیاری در کتابش نشان می دهد که‌دغدغه‌اش، زدودن تحریفات ازجامه عاشوراست وعلاقه‌مند است که‌نهضت امام‌حسین(ع) به‌صورت علمی‌و اجتهادی بررسی شود. ازمشخصه‌های بارز آثار این پژوهشگر، تلاش اوبرای انجام وظیفه‌ای علمی‌به‌دور ازهرگونه تعصب واحساسات است.

کتاب از سه بخش کلی تشکیل شده است: «هدف شناسی امام حسین(ع)»، «کوفه؛ انتخاب درست امام حسین(ع)» و «دیدگاه گذشتگان». در هریک از این بخش‌های کلی، موضوعات مورد مناقشه ابتدا تبیین وسپس تحلیل وداوری می‌شود. در پایان، این خواننده است که با تفکر و تعمق، دیدگاه مورد پسندش رابرمی‌گزیند؛ شاید به‌همین دلیل باشد که‌نویسنده به‌خوانندگان توصیه می‌کند کتاب رابرای فهم بیشتر، بیش ازیک‌بار مطالعه‌کنند تا تسلط بهتری بر موضوع، روش بحث و مسائل مطرح‌شده داشته باشند. باوجود اینکه‌کتاب بیش از سیصد صفحه است، موضوع ونحوه بررسی آن به‌اندازه‌ای جذاب است که‌ما راباخود تاانتها همراه می‌کند.

به‌نظر می‌رسد بخش آخر کتاب، به‌نام «دیدگاه گذشتگان»، از دو بخش ابتدایی آن، جذاب‌تر وخوش‌خوان‌تر باشد واینکه پاسخ سؤالات اساسی کتاب رااززبان علمای بزرگ شیعه بشنویم، جالب توجه است. دراین بخش، دیدگاه شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، شیخ طبرسی و ابن شهرآشوب مطرح می‌شود وکار رابرای نتیجه‌گیری ازمباحث کتاب، آسان‌تر می‌کند.